

• جایی که قلبم بدون اجازه من می‌رفت!

• هیئت بی‌هنت؛ دقیقه‌های زندگانی

• هیئت! احیای اهریاترایی؟

• پیام فذکیه برای امروزها

• دانشجوی نسبتش با قرآن چیست؟

وهرست

جایی که قلبم بدون اجازه من می‌رفت!

متین یعقوبلو ورودی ۱۴۰۲ رشته ریاضی

روایت هیئت

به نام خدا... خدایی که حال تو را می‌داند بهتر از خودت! سلام! حال و احوالتون چگونه؟ خوبید؟ اومدم تا با یه متن ادبی تر و تمیز، حال و هوای هیئت رفتن‌ها رو براتون بنویسم. اما دیدم نمیشه! اصلاً چون چیزی نبوده که بشه توی متن گفت... با این حال، می‌خوام براتون تعریف کنم. حتی دقیقاً یادم نمیداد از کی رفتم و کی قلبم به اونجا خو گرفت. ولی اینو می‌تونم بگم که برای اومدنم به اینجا، مهم نبود کی بود، چه کاری داشتم یا چقدر شاد یا ناراحت بودم...

یه چیز جالب بگم: گاهی خودمم نمی‌دونستم چطوری و کی رسیدم، ولی یهو به خودم می‌اومدم و می‌دیدم یه گوشه‌ی مجلس وایسادم! از صاحب مجلس هم نگم که همه می‌دونید دیگه... همه می‌دونید. به شخصه، خیلی شبها بعد از کلی مشکل، وقتی از همه جا بریده بودم، آرام می‌رفتم

اطلاع می‌دهند که: دوشنبه شبی، مناسبتی، مراسمی است با حضور... و این دل است که پرواز می‌کند سمت مزار شهید! این ذهن است که تداعی می‌کند لحظه‌های اشک و نفس‌های گرم بین روضه و مداحی را! و این جسم است که اگر چه گاهی با خستگی یا حالت بیماری است، خودش را سمت هیئت راه می‌اندازد!

هفته می‌گذرد، موعد هیئت فرا می‌رسد؛ دم و دستگاه، صوت، تصویر، گرمایش، سرمایش و هر آنچه نیاز باشد، توسط خادمین مهیا می‌شود؛ مهیا! قرائت‌ها نوید شروع مراسم را می‌دهند؛ صوت کلام‌الله و دعاهای معمول، ثبات کاراند انگار؛ و تو گویی این درب، بدون آنها بر پاشنه قرار نمی‌گیرد. بر طبق رسم زیبای قدیمی ترها، با ورود سخنران، برای سلامتی علمای اسلام صلوات می‌گیرند و این می‌شود اولین صدای همراه و رسای جمعیت حاضر.

اینجا سخنران، پیغمبری را می‌ماند که وسط هیاهوی کار، روزمرگی‌ها و سر و صدای علمی، با کلمه‌های خیره‌ات می‌کند به زمین... و روضه بعد از آن، برای فرصتی می‌شود که پرندۀ روح را پر و بال باز کنی...

سخنران در پایان، چند «آمین» از شنوندگان می‌گیرد، جایگاه را به مداح می‌سپارد و قاطعی جمعیت غالباً دانشجو، گوشه‌ای می‌نشیند به گوش، تا مداح رشته کلامی را که از وی عاریت گرفته ادامه دهد، با قالبی دیگر که هم شعر است و هم نثر؛ با کلامی از جنس روشنگری که

شوری برمی‌انگیزد و دردی فرو می‌نشانند. اشک‌هایی که جاری می‌شود و دل‌هایی که پرندۀوار با طول مداحی به صحن اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌رسد و تا آخر با زمزمه‌ها و سینه‌زنی‌ها همانجا می‌ماند! چراغ‌های خاموش، روشن می‌شود؛ ذهن‌ها یک‌سوتر شده، دل نرم‌تر گشته و پاها آماده حرکت است. دعای منسوب به فرج، با نوای آشنا، پرندۀ دل را از صحن می‌کشاند به یاد مردی که اولین تمنای قبل «آمین» هاست!

به یاد کسی که بعید نیست کنار مزار، دعای سخنران و



هیئت یک پایگاه فکری است که با نگاه حکیمانه می‌تواند در حوزه‌های هویت، عدالت، علم، آینده ایران، خانواده، اخلاق، مدیریت و موارد دیگر نیز اقدام عملی کند. هیئت یعنی «شبکه مؤمنان فعال» که به هم امید و انگیزه می‌دهند، با هم رشد می‌کنند و برای آینده کشور مأموریت دارند. این همان «خیمه» است... یک خانه امن با مأموریت مشترک.

هیئت نخبگانی در بستری از معنویت پاک و بی‌تکلف، معرفت محبت‌آمیز مؤمنان و رشد فردی و جمعی مستمر، گام برمی‌دارد. دانشگاه فقط محل گرفتن مدرک نیست؛ لذا، معنویت برای آرامش، رفاقت برای رشد، بینش برای آینده و هویت برای حرکت را در وجود انسان ایجاد می‌کند.

هیئت نخبگانی این کمبودها را به شکلی زیبا و منسجم جبران می‌کند و دانشگاه را از فضایی صرفاً علمی به فضایی برای تربیت انسان مؤمن مسئول تبدیل می‌کند. و در پایان، هیئت نخبگانی یک «خیمه خادمی» است: جایی برای ساختن انسان‌هایی اهل معنا، اهل عقل، اهل محبت و اهل خدمت؛ مرکزی برای رشد دل‌ها، پیوند دل‌ها و حرکت به سوی آینده‌ای بهتر.

و اجتماعی بسازد و برای ساختن جامعه، مسئولیت‌پذیر شود.

هیئت جایی برای احساس صرف یا دانش صرف نیست؛ محل تولید انسان مؤمن و حکیم فعال است.

هیئت یک خیمه است؛ یعنی جای امن برای دل‌ها، محل آرامش، پناه و درمان روح. دانشجو یا نخبه در هیئت، خود حقیقی‌اش را پیدا می‌کند و آن را محل ایجاد جریان‌سازی در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌بیند.

هیئت محل بیتوته و توقف نیست، بلکه مرکز رشد عقل و دل است که با حرکتی کاروانی صورت می‌گیرد.

نخبه فقط درس‌خوان نیست! دانشجو باید پیشرو در خدمت، کار جمعی و حل مسائل جامعه باشد و لذا، هیئت نخبگانی بستر شکل‌گیری این روحیه است.

هیئت هم احساس پاک می‌دهد و هم بینش عمیق. در هیئت، گریه و معرفت در کنار هم معنا پیدا می‌کنند و «من» را توسعه می‌دهند. در هیئت نظام فردیت‌گرایی جای خود را به نظام توسعه من می‌دهد.

هدف هیئت این نیست که فقط «شنونده» بسازد؛ هدفش، خادم ساختن است. یعنی کسی که بفهمد رسالتش فقط برای خود نیست، بلکه باید اثرگذار و خدمت‌گر باشد.



هیئت! احیای اهریاترایی؟

علی زارعی فر ورودی ۱۴۰۲ رشته روانشناسی

و یک خیمه خادمی است؛ جایی که انسان در آن می‌آید تا با حقیقت اهل‌بیت (ع) ارتباطی زنده پیدا کند، دلش را پاک کند، جانش را قوی کند، با دیگران پیوند ایمانی

بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
هیئت فقط یک مراسم مذهبی نیست! هیئت یک مدرسه تربیتی، یک محیط رشد

پیام فدکیه برای امروز ما

سیدما فرهودی ورودی ۱۴۰۲ رشته علوم قرآن و حدیث

مدینه در روزهای پس از رحلت پیامبر (ص)، شهری بود آکنده از سکوتی سنگین؛ سکوتی که نشانهٔ ابهام و فاصله گرفتن جامعه از حقیقت بود. در همان روزها، بانویی با گام‌هایی استوار وارد مسجد شد؛ نه برای شکایت، که برای بیدار کردن وجدان‌ها. این صدای حضرت زهرا (س) بود؛ صدایی که آمد تا بگوید حق، اگر پاسداری نشود، در سکوت مردم خاموش می‌شود. خطبهٔ فدکیه تنها روایت یک ظلم تاریخی نیست؛ بیانه‌ای است برای فهم این که جامعه چگونه از مسیر حقیقت دور می‌شود و چگونه می‌تواند دوباره به روشنایی بازگردد. حضرت در این خطبه، آسیب‌های جامعه را صریح برشمردند؛ بی‌تفاوتی، سپردن مسئولیت‌ها به ناهلان، کم‌رنگ شدن عدالت و فراموش شدن

مصاحبه گر: علیرضا فرامزری ورودی ۱۴۰۳ رشته مهندسی کامپیوتر

معرفی زندگی دانشجویی، تشکیلاتی، کاری و علت ورود به حوزه علمیه

بنده مهدی حیدری هستم. سال ۹۲ در دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی برای کارشناسی مهندسی مکانیک قبول شدم. به رشته ام و مباحث آن علاقه زیادی داشتم و خودم را کورس رقابتی با نفرت اول نگه می داشتم. البته به دلیل عرق دینی که داشتم، برایم فعالیت های دینی و فرهنگی هم جذاب و مهم بود. به همین مناسبت با بچه های بسیج دانشجویی دانشکده و هیئت آشنا شدم. به مشارکت در فعالیت های دانشجویی علاقه زیادی پیدا کرده بودم و کم کم معاون آموزش بسیج دانشگاه شدم. آن سال ها، به خاطر تصویب برجام بازار فعالیت های سیاسی هم خیلی داغ بودا تشکیل حلقه انسانی دور سایت فردو، تجمع ها، میتینگ های سیاسی، مناظره ها، شبنامه ها و ... که گاهی مسالمت آمیز تمام می شد و گاهی هم خیرا به هر حال، دانشگاه به عنوان کانون تولید فکر و اندیشه و علم برایمان اهمیت بی نظیری داشت. دست تقدیر به گونه ای رقم خورد که در سال ۹۵ مسئول بسیج دانشگاه شدم. آن سال هم، سال سختی بود؛ سالی که ابتدایش، بعد از آن که ورودی ها را به مشهد بردیم و یک اردوی با شکوه برگزار کردیم، بلافاصله با یک فعالیت ضد امنیتی در دانشگاه که سر از رسانه های بیگانه در اوآردا شروع شد و انتهایش هم به انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ ختم شد. سالی پر از تنش و کشمکش... یکی از اتفاقات مهم آن سال، تشکیل انجمن اسلامی مستقل و همچنین اقدام به تشکیل انجمن اسلامی طیف تحکیم وحدت در دانشگاه بود. در آن سال پدر فراز و نشیب، شواری مرکزی بسیج به همراه بچه های دانشکده ها، هیئت و انجمن اسلامی مستقل تلاش زیادی برای بهبود فضای سیاسی و فرهنگی کردیم. پس از تمام دوره مسئولیتم در بسیج، با بعضی از بچه های شواری مرکزی بسیج که تشکیل داده بودم، تصمیم گرفتیم که برای آینده هم کار تشکیلاتی را ادامه دهیم؛ چرا که دیگر به قدرت تشکیل ایمان آورده بودیم. با چند نفر از دوستان بزرگتر مشورت گرفتیم و از سال ۹۶ کار در صنعت را شروع کردیم. روی موضوعات و پروژه های زیادی کار کردیم تا بالاخره راه خودمان را پیدا کردیم و تا همین امروز با برخی از افراد آن تیم قدیمی در حوزه ساخت ماشین آلات برش CNC همکار هستیم. البته بعداً اعضای از نسل های جدیدتر نیز به جمعمان اضافه شد.

پس از آن، در مقطع کارشناسی ارشد، مهندسی مکانیک را در دانشگاه صنعتی شریف، در گرایش طراحی کاربردی ادامه دادم. بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه، به دلیل دغدغه ای که نسبت به تولید علوم انسانی اسلامی داشتم، وارد حوزه علمیه مشکات علی بن موسی الرضا (ع) شدم و اکنون به عنوان طلبه سطح عالی مشغول به تحصیل علوم دینی هستم.

مدتی است که با دعوت بچه های هیئت، با دوستان یک حلقه مباحثاتی قرآن در دانشگاه خوارزمی تشکیل داده اید، هدفتان از این مباحثات چیست؟

اول باید به این توجه کنیم که خدای متعال چه جایگاهی برای قرآن در زندگی بشر در نظر گرفته است؟ قرآن معجزه و سند حقایقت پیامبر ماست. یعنی قرآن آخرین پیام خدا از آسمان برای بشر است. بنابراین باید تا آخرین روز زندگی بشر راهنمای زندگی او باشد؛ آن هم راهنمایی در مهم ترین عرصه های زندگی؛ خدای متعال در قرآن می فرماید: «پیامبرانی که مژدم‌رسان و بیم‌دهنده بودند ایرانگیختیم! تا مردم را آرد دنیا و آخرت در برابر خدا! پس از فرستادن پیامبران، عذر و بهانه و حجتی نباشد؛ و خدا همواره توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.» (۱۵۶)

حقی که باید ستون استحکام امت باشد.

سخن ایشان دربارهٔ فدک، سخن از یک زمین نبود؛ تذکری بود دربارهٔ تغییر معیارهایی که هویت جامعه را می‌سازند. هشدار ایشان روشن بود؛ جامعه زمانی آسیب می‌بیند که مردم حق را می‌شناسند، اما سکوت را بر ایستادگی ترجیح می‌دهند. این خطری است که هر زمان و هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند، اگر بیدار نماند.

امروز نیز خطبهٔ فدکیه آینه‌ای پیش روی ماست؛ آیا هنوز نسبت به حقیقت حساس مانده‌ایم؟ حضرت زهرا (س) مردم را به نزاع فرا نخواندند، بلکه به فهم، هوشیاری و مسئولیت‌پذیری دعوت کردند؛ به این که در برابر تحریف حقیقت و بی‌عدالتی، بی‌تفاوت نمانیم.

پیام خطبه روشن بود که حق یک مطالبهٔ شخصی نیست؛ نشانهٔ سلامت وجدان یک جامعه است. و هرگاه جامعه آن را

دانشجو نسبتش با قرآن چیست؟ چه کسی گفت فهم قرآن فقط برای متخصصان است؟ مصاحبه با استاد قرآنی

تفاوت تدبیر، حفظ و قرائت در چیست؟

فکر می‌کنم که ابتدا بهتر است که به اشتراک آن‌ها اشاره کنم. همه این موارد مقدمه انس با قرآن کریم است. البته هر کدام از آن‌ها به شکلی ما را به این هدف نزدیک می‌کنند. تدبیر مستقیماً روی استنباط پیام و مراد سوره‌ها و آیات تمرکز دارد و این کار را به روش خاصی انجام می‌دهد که در مباحثاتمان روی آن تمرکز داریم.

اصلاً قرآن به چه درد من دانشجوی می‌خورد؟ چرا این‌قدر همه می‌گویند حداقل روزی یک صفحه بخوان، تدبیر کن، کلاس قرآن برو؟ چرا بزرگان این‌قدر تأکید دارند؟

همان‌طور که عرض کردم، اصل ماجرا انس پیدا کردن با قرآن است. تدبیر دائمی در قرآن ما را با منطق قرآن مأنوس می‌کند. وقتی با منطق قرآن مأنوس باشی، خود به خود بر اساس آن عمل می‌کنی... بنابراین وقتی با قرآن مأنوس شویم کارهای ما مطابق خواست خواهد بود. بهترین و دقیق‌ترین مطلب در مورد لزوم تدبیر در قرآن همان چیزی است که رهبر انقلاب فرمودند. ایشان تلاش در جهت گسترش تدبیر در قرآن را برای ما ضروری می‌دانند و چه محیطی مهم‌تر و بهتر از دانشگاه که در آن، جوان‌ها با دل‌های پذیرا، ذهن‌های آماده و قدرتمند و انگیزه‌های خدایی می‌توانند موجب تحول در خود و جامعه‌شان بشوند. «کسی که با معارف قرآن آشنا نیست، در قرآن تدبیر نمی‌کند، با قرآن مأنوس نیست، چطور می‌تواند در یک جامعه‌ای که می‌خواهد براساس قرآن حرکت کند، راهنمایی بدهد؟ روشنفکرهای ما باید با قرآن آشنا بشوند، جوانان ما باید با قرآن آشنا بشوند، انس با قرآن را زیاد کنند. وقتی این ذهن، ظرف معارف قرآن شد، آن‌وقت «از کوزه، برون همان تراود که در اوست». وقتی ذهن غنی شد از معارف قرآنی، اثر خودش را در زبان، در عمل، در تصمیم‌گیری، در تصمیم‌گیری‌های کلان، در رفتار نشان خواهد داد؛ این آن هدفی است که باید ما دنبال بکنیم. مسئولین کشور به مسئله‌ی قرآن همچنان با جدیت بپردازند؛ این مسئله را کوچک نگیرید. شما جوانهای عزیز که در صراط آموختن قرآن و تلاوت قرآن و انس با قرآن هستید، این راه را به‌طور جدی پی بگیرید و دنبال کنید. قرآن، آینده را برای ما روشن می‌کند؛ قرآن، راه مستقیم و صراط مستقیم را برای ما آشکار می‌کند، ما را سعادتمند می‌کند.» ۹۴/۲/۲

چرا گسترش جریان تدبیر به‌خصوص در دانشگاه و بین دانشجویان مفید و لازم است؟

همان‌طور که سابقاً اشاره کردم، دانشگاه از دو حیث اهمیت زیادی دارد: اولاً دانشگاه مرکز تولید نیرو انسانی برای آینده کشور است. تمام جوان‌ها در بهترین دوران زندگی در بالاترین توانایی ذهنی خود در دانشگاه حاضر می‌شوند. دوماً دانشگاه مرکز و کانون تولید فکر و اندیشه و علم است. بنابراین، اگر جوان دانشجویی در دانشگاه توانست با آخرین پیام خدای متعال آشنا شود و ذهن و جان خود را نورانی کند، هم در آینده زندگی و انتخاب‌هایش از آن بهره‌ی می‌برد و هم از آن جهت که جهان‌بینی و نگرشش نسبت به عالم عوض می‌شود، در عرصه فکر و اندیشه نیز جامعه را از انوار توحیدی بهره‌مند می‌سازد. چنین شخصی در جایگاه تولید علم نیز از هدایت الهی برخوردار خواهد بود. بنابراین انس دانشگاه و دانشگاهیان با قرآن از هر جای دیگر مهم‌تر خواهد بود. فرمایشات بزرگان و مخصوصاً تأکیدات ویژه رهبر معظم انقلاب راه را برایمان روشن می‌کند. امیدواریم همه دوستان، به هر اندازه که توانایی و برش داریم، بتوانیم در این مسیر نورانی قدم برداریم.

